

فریبانادری:

اتفاقی بزرگ در کارنامه کاری ام رقم خورده است

زهرا طاهریان

فریبا نادری با مینی سریال خائن کشی به تلویزیون آمد. این بازیگر درباره حضور دوباره خود در تلویزیون می‌گوید: من همواره تلویزیون را دوست دارم و برای مخاطبان تلویزیونی هم احترام ویژه‌ای قائلم، همیشه ثابت کردم که به این مدیوم علاقه دارم منتها اگر نقش خوبی به من پیشنهاد شود بازی در آن را می‌پذیرم.

او این‌گونه درباره بازی‌اش در مینی سریال کیمیایی صحبت می‌کند: این سریال اتفاقی بزرگ در کارنامه کاری من است، هرچند نقش نسبتاً کوتاهی را در این سریال ایفا می‌کنم، اما به نظرم نقشی کامل و با جزئیات فراوان است. گفتگوی این بازیگر با ماهنامه صبا را در ادامه می‌خوانید.

در فیلم‌های استاد کیمیایی شخصیت‌ها اصولاً به واسطه پارتمترهایی مانند دیا لوگ‌های برجسته شکل گیری می‌شوند. چه قدر با این نگاه و این رویکرد موافق هستید؟

واقعیت این است که من با فیلم‌های مسعود کیمیایی عاشق سینما شدم و در بطن کودکی و در دوران نوجوانی دوست داشتم در آن کارها باشم و خودم را آن‌جا به عنوان یک ستاره و یک بازیگر می‌دیدم. به خاطر همین خیلی خوشحال شدم وقتی این نقش به من پیشنهاد شد و با کمال میل پذیرفتم.

در مسیر تولید فیلم خودتان و گروه با چه چالش‌هایی روبه‌رو بودید یا چه اتفاق‌های قابل توجهی افتاد؟

ما در اوج کرونا شروع به کار کردیم؛ در پیک سوم یا چهارم دلتا بود که خیلی هم متاسفانه کشنده بود و شرایط طوری نبود که گروه تولید و تهیه‌کار را نگه دارند. در واقع به دلیل همین هزینه‌های مالی که انجام دادند از دکوری که ساخته بودند گرفته تا اجاره‌ای که بابت لوکیشن داده بودند و... امکان توقف کار وجود نداشت. همچنین برای این پروژه اقدامات زیادی هم بایست صورت می‌گرفت که در واقع در اوج گرفتاری کورنا و قرنطینه ما سرکار بودیم. ما تا دیر وقت در شهرک می‌ماندیم و کار می‌کردیم، ولی خب تیم پزشکی داشتیم، آمبولانس داشتیم، هر شب چک می‌شدیم، ترابری داشتیم و همه گروه حواسشان به هم بود، اما با همه این اقدامات خب، استرسش خیلی روی همه ما غالب بود، بخصوص برای بازیگرها که نمی‌توانستیم مطلقاً ماسک بزنیم. یعنی ما از لحظه‌ای که می‌رسیدیم ماسک‌ها را در می‌آوردیم تا لحظه‌ای که می‌خواستیم برگردیم خانه، چون بلافاصله گریم انجام می‌شد و لباس می‌پوشیدیم و دیگر نمی‌شد از ماسک استفاده کنیم.

در کارهای گذشته خود قبلاً نقشی مشابه چنین کارگری را بازی کرده بودید یا این اولین تجربه به این شکل بود؟

خیر، کار آکتر این نقش خیلی دور بود از من، هم سال وقوع این داستان برایم جدید بود یعنی در واقع زمان کودتای ۱۳۲۰ و زمان آقا مصدق. این اولین باری بود که در این برهه زمانی نقشی را اجرا می‌کردم و در سینمای مسعود کیمیایی هم اولین بار بود که بازی می‌کردم. به بیان دیگر تمام این روزها و بازی در این نقش برایم خاطره و آموزش بود.

تعامل شما با کارگردان بزرگی مانند کیمیایی به چه صورت بود؟

من تنها چیزی که از استاد کیمیایی می‌دانستم این بود که خیلی تمرین نمی‌روند و بلافاصله کار را می‌گیرند. این موضوع به من استرس بسیار زیادی می‌داد به این جهت

که می‌ترسیدم از اینکه من اشتباهی انجام بدهم، چون کار گروهی بود و همه با هم بودیم و عزیزان بزرگ و پیشکسوت را داشتیم که من در مقابلشان خیلی کوچک و نوآموز بودم، ولی آن قدر مهربانانه و پدرانانه بودند و انرژی می‌دادند که دچار مشکل نشدم و کار را بدون استرس انجام می‌دادم. واقعاً نمی‌دانم این کاریزما از کجا می‌آمد اما کیمیایی این کاریزما را داشت و در کنار آن، کارگردانی بسیار منعطف و مهربان بود. این خاطره را هم بگویم که چون ما جزو سکانس‌های اول بازی بودیم، در شروع شب کاری‌ها از لحظه‌ای که وارد شدم، لباس پوشیدم و یکی دوبار رفتم داخل صحنه در لوکیشن مدنظر و نگاهم به آقای کیمیایی افتاد، او هم در اوج کار انگار که متوجه وضعیت روحی من شده باشد، گفت استرس نداشته باش دخترم خودت باش، همان متن را که در ذهنت داری داشته باش و خودت باش. من همان را می‌خواهم. من هم وقتی در برابر این لحن قرار گرفتم، گفتم چشم و اتفاقاً همه چیز هم جور شد